

تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل موثر بر آن

محمدرضا جوادی یگانه*

سیدضیاء هاشمی**

چکیده

دوراهی اجتماعی موقعیتی است که در آن، هر کنشگر با دو گزینه روبه‌رو است: همیارانه و غیرهمیارانه. برای هر کنشگر، رفتار غیرهمیارانه نفع بیشتری را به دنبال دارد، اما اگر تعداد قابل توجهی از کنشگران، غیرهمیارانه رفتار کنند، همه نسبت به وقتی که همیارانه رفتار می‌کردند، بیشتر زیان می‌بینند، مبانی نظری بررسی دوراهی اجتماعی، نظریه انتخاب عاقلانه (به ویژه روایت جامعه‌شناختی آن، شامل عقلانیت اجتماعی) و نظریه بازی است. عوامل مؤثر بر رفتار در دوراهی اجتماعی، شامل عوامل موقعیتی، شخصیتی و فضای کنش است. در این تحقیق از روش پیمایش (جمعیت نمونه شامل ۷۳۰ فرد ۱۵ سال به بالای ساکن تهران) استفاده شده است. برای آزمون فرضیات نیز عمدتاً از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان رفتار همیارانه پاسخ‌گویان در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، بین ۶۵ تا ۸۵ درصد، و میزان

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. / myeganeh@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. / zhashemi@ut.ac.ir

رفتار همیارانه مردم از نظر پاسخ‌گویان، بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است. فرضیات تحقیق شامل تأثیر عوامل شخصیتی (جهت‌گیری مذهبی و نوع شخصیت، یا جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی)، موقعیتی (اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی، شرایط دوستانه یا رقابتی حاکم بر موقعیت، ارتباط میان کنشگران در موقعیت، اطلاع از پیامدهای رفتار غیرهمیارانه در دوراهی اجتماعی، تأثیر تجربه قبلی) و فضای کنش (هنجارهای حاکم بر کنش، نوع رابطه، و نوع موقعیت کنش) بر رفتار افراد در موقعیت‌های دو راهی اجتماعی تأیید شد.

واژگان کلیدی: دوراهی اجتماعی، نفع فردی و نفع جمعی، انتخاب عقلانی، عقلانیت اجتماعی.

مقدمه

در رویکرد نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶؛ وروسلی، ۱۳۷۸) وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه برای هر جامعه ضرورت دارد. اما در جامعه ما، بر طبق تحقیقاتی که انجام شده، این جهت‌گیری‌ها کمتر یافت می‌شود و بسیاری از مشکلات اجتماعی ریشه در کمبود جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه در سطح کلان (معطوف به گروه‌های ثانویه) و تعهدات جمعی دارد. نتایج تحقیقات انجام شده درباره جمع‌گرایی در ایران بر دو نکته مهم تأکید دارند: (۱) افراد تمایل دارند رفتارهای جمع‌گرایانه داشته باشند (چلبی، ۱۳۸۱ الف و دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد، ۱۳۸۱) یا در حدود میانه‌ی جمع‌گرایی و فردگرایی قرار دارند. (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳ و نوروزی، ۱۳۷۵)؛

(۲) افراد اعتقاد داشته‌اند که بسیاری از افراد دیگر در جامعه، رفتارهای فردگرایانه دارند. برای مثال ۷۴/۵ درصد افراد در تهران گفته‌اند که بیشتر مردم فقط به فکر خودشان‌اند و ۷۹ درصد نیز گفته‌اند نمی‌توان چندان به مردم اعتماد کرد (محمدی شکیبیا، ۱۳۷۹).

محققانی که تمایلات عام‌گرایانه یا جمع‌گرایانه را زیاد یافته‌اند، نیز اذعان داشته‌اند که «تجلی هر رفتاری - از جمله رفتارهای عام‌گرایانه - منوط به تمایلات نظام شخصیتی نیست، بلکه هم‌زمان وابسته به نوع قواعد اجتماعی، فرصت‌ها و نحوه آرایش آن‌ها است. بنابراین، می‌توان پذیرفت که در همان حال که میزان میل به عام‌گرایی در سطح نظام شخصیت در برهه‌ای از زمان، در میان جماعتی بالا باشد، لکن در همان حال و به همان نسبت در سطح نظام رفتاری افراد بروز نداشته باشد.» (چلبی، ۱۳۸۱ الف: ۱۷۹)

کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه در هر جامعه‌ای و به ویژه جامعه ما می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. در بعد اجتماعی، مقوله اخلاق شهروندی و رعایت حقوق سایر شهروندان و موضوع انضباط اجتماعی، مسئله‌ای است که ربط وثیق با جمع‌گرایی در سطح کلان دارد و منشاء بروز بسیاری از مشکلات جامعه‌ی در جامعه ما، به کم بودن میزان تمایلات و رفتارهای جمع‌گرایانه کلان آن‌ها باز می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۶). در سطح اقتصادی نیز نداشتن وجدان کاری و لحاظ نکردن مصالح سازمان و بنگاهی که فرد به آن وابسته است و در آن کار می‌کند، مسئله‌ای مهم در سطح رفتارهای اجتماعی در نظام اقتصادی، و یکی از علل توسعه‌نیافتگی محسوب می‌شود. تمام موقعیت‌های ذکر شده در بالا، با نظریه دوراهی اجتماعی قابل تبیین و بررسی است، که این مقاله به بررسی آن خواهد پرداخت.

در ایران، پژوهشی که به بررسی رفتار افراد در دوراهی‌های اجتماعی بپردازد، موجود نیست. اما تحقیقات با موضوعات مشابه، در سطح رفتار فردی، میزان بالایی از رفتارهای جمع‌گرایانه یا عام‌گرایانه را پاسخ گرفته‌اند. (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳ و نوروزی، ۱۳۷۵ و چلبی، ۱۳۸۱ الف) اما هم نظر صاحب‌نظران این موضوع (از جمله: چلبی، ۱۳۸۱ الف) و هم مشاهدات از رفتارهای مردم در زندگی روزمره، و نیز دغدغه‌های متولیان و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی، نشان از غلبه رفتارهای غیرهمیارانه مردم در این موقعیت‌ها دارد.

در این مقاله، ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که اولاً میزان رفتارهای همیارانه مردم در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی چه اندازه است. و ثانیاً چه عواملی بر رفتار آنان در این موقعیت‌ها اثر می‌گذارد. با شناخت این عوامل و نیز میزان واقعی رفتارهای همیارانه مردم، می‌توان برای اصلاح این مسئله اجتماعی نیز راه‌حلی اندیشید.

نظریه‌های رفتار جمعی

رفتار جمعی و در نظر گرفتن مصالح دیگران را می‌توان با دو رویکرد عمده تبیین کرد. یک دسته از این رویکردها، بر خیر جمعی و عمل اخلاقی تأکید دارند و دسته دیگر بر عمل عقلانی.

الف) رویکرد اول، بسیاری از متفکران اجتماعی پاسخ این سؤال را که چگونه علی‌رغم تضاد خلق و خواها و منافع فردی، جنگ همه علیه همه در نمی‌گیرد، در مسئله اخلاق یافته‌اند. نظریه‌های اخلاقی، دو نوع شناختی و عاطفی هستند.

نظریه‌های شناختی، اخلاق را بر اساس شناخت، ادراک، استدلال، وظیفه، تکلیف و نوعی تمایلات حسابگرانه بیرونی توضیح می‌دهند. در این دیدگاه شناخت و تکلیف، عنصر اصلی قضاوت اخلاقی است. از این منظر اصول و قواعد اخلاقی ساختارهایی هستند که از تجربه کنش متقابل اجتماعی ناشی می‌شوند و نه بر اثر درونی کردن قواعد اخلاقی. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند کنش متقابل اجتماعی و ادراک و شناخت اجتماعی در مرحله نهایی، مستلزم پرهیز از خودخواهی و خودمداری و تمایل به دگرخواهی و رعایت حقوق دیگران است. «پیاژه» از این مرحله به عنوان اخلاق تعاونی، «کلبرگ» به عنوان اخلاق مابعد قراردادی و هابرماس به عنوان اخلاق ارتباطی یاد می‌کند.

اما برخی دیگر در این نکته تردید دارند که بدون یک زمینه عاطفی بتوان احساس مسئولیت و دگرخواهی را برانگیخت، زیرا اخلاق عقلی در نهایت مستلزم نوعی اجبار و تکلیف همراه با ترس و نفع خواهد بود، که با عشق و دگرخواهی مغایر است. نظریه‌های عاطفی بر عکس نظریه‌های شناختی، وفاداری و پایبندی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها را عامل اصلی گذار از خودخواهی به دگرخواهی می‌دانند. در این دیدگاه رعایت قواعد و هنجارهای اخلاقی، بدون میل و علاقه و فقط از روی وظیفه و اجبار غیرممکن است. این دیدگاه معتقد است رعایت هنجارهای اخلاقی بر اساس پذیرش عقلانی و استدلال قراردادی که متضمن نفع همه باشد نیست، بلکه باید مبتنی بر پذیرش وجدانی و درونی ارزش‌ها باشد. در عاطفه‌گرایی، اخلاق و ایثار و دگرخواهی از یک جا سرچشمه می‌گیرند، و این با هر نوع حسابگری و فایده‌گرایی مغایر است.

رویکرد دوم، از منظری متفاوت به مسئله نگاه می‌کند. در نظریه‌هایی که به عمل اخلاقی یا تولید خیر جمعی می‌پردازند، از افراد جامعه می‌خواهند که جمع‌گرایانه رفتار کنند، زیرا خوب و پسندیده است و اخلاق آن را توصیه می‌کند. اما انتخاب عقلانی مدعی است مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آن‌ها در آن رفتار بیشتر تأمین می‌شود. بر طبق این نظریه نفع عمومی جامعه نیز از طریق دنبال کردن نفع فردی توسط افراد جامعه زودتر و بهتر به دست می‌آید، که «دست پنهان بازار» آدام اسمیت، نمونه بارز آن است. فرق است بین وقتی که یک فرد عمل جمعی انجام می‌دهد، زیرا معتقد است به دست می‌آید صواب و پسندیده است و اخلاق یا دین آن را توصیه می‌کند؛ و وقتی که فرد همان عمل (فرضاً کنار کشیدن ماشین خود در خیابان وقتی صدای آژیر آمبولانس یا ماشین آتش‌نشانی بلند می‌شود) را انجام می‌دهد زیرا

فکر می‌کند که به نفع (درازمدت) خود او است؛ زیرا که اگر خود او در آمبولانس باشد یا خانه؛ خودش آتش گرفته باشد، دیگران چه می‌کنند. (الستر، ۱۹۹۸) این نگاه به عمل جمعی، نگاه فردگرایانه (و نه خودمدارانه) است که می‌توان آن را با نظریه انتخاب عقلانی تبیین کرد.

ب) نظریه انتخاب عقلانی، جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که کنش عقلانی انجام می‌دهند. بر اساس این نظریه، کنشگر، کنشی را انتخاب می‌کند که بیشترین فایده را برای او دارد. (کلمن، ۱۳۷۷؛ هرسنی، ۱۹۸۶) اگر چه پارتو، جامعه‌شناسی را علم کنش‌های غیرمنطقی و اقتصاد را علم کنش‌های منطقی می‌داند (بودون، ۱۳۷۰)، اما در جامعه‌شناسی نیز گرایش عمده وجود دارد که کنش‌ها را بر اساس انتخاب عقلانی، تبیین می‌کند، برخی از مهم‌ترین صاحب‌نظران این گرایش عبارتند از: ماکس وبر، جان هرسنی، جیمز کلمن، ریمون بودون و جان الستر (اودن، ۲۰۰۱).

روایت جامعه‌شناختی انتخاب عقلانی، تمام رفتارهای بشر را عقلانی تصور نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌شود، و دیگر این که کنش عقلانی، از لحاظ روش‌شناختی مقدم است، یعنی وقتی سعی می‌کنیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم. (کرایب، ۱۳۷۸؛ اودن، ۲۰۰۱) از طرف دیگر، با اولویت دادن به کنش عقلانی، راه را برای نگاه کردن به سایر انگیزه‌ها باز می‌شود، یعنی با نگاه کردن به شیوه تفاوت واقعیت، با آنچه در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت، کشف جنبه‌های غیرعقلانی رفتار آن‌ها امکان‌پذیر است.

این نظریه پردازان با اضافه کردن ساختارها (کلمن، ۱۳۷۷)، محدودیت‌های شناختی (بودون، ۱۹۹۸)، هنجارها و ارزش‌ها (الستر، ۱۹۸۹) در فرایندهای انتخاب عقلانی فرد، به نوعی «عقلانیت اجتماعی» (واس، ۲۰۰۱؛ لیندنبرگ، ۲۰۰۲) اعتقاد دارند، که در ادامه آنچه سایمون عقلانیت محدود شده نامیده (جالز و دیگران، ۱۹۹۸)، تبیین‌کننده رفتارهای فرد در محیط اجتماعی است. بر این اساس، افراد (در محدوده شناخت خود، و با جهت‌گیری‌های هنجاری و ارزشی، و در چارچوب ساختارهای اجتماعی)، هنگام مواجهه با موقعیتی متعارض (تعارض میان نفع فردی و نفع جمعی)، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که برایشان بیش‌ترین نفع را داشته باشد. و این انتخاب، برای جامعه نیز مناسب است.

بر اساس مدل انتخاب عقلانی، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیت‌هایی قرار گیرد که

عقلانیت ابزاری به وی حکم کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند. اما منطق آن نوع خاص از موقعیت، به گونه‌ای باشد که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او (و بسیاری دیگر از کنشگران عاقل)، نتیجه‌ای را به دنبال دارد که به زیان همگان (از جمله آن کنشگران عاقل) است. بازی دوراهی زندانی، به خوبی نشان‌دهنده این ساخت فاسد است. ساختی که در آن، هر زندانی به دنبال کم کردن زمان زندان خود است، و انتخابی می‌کند که نتیجه آن، ماندن بیشتر هر دو زندانی در زندان خواهد شد، چیزی که هیچ کدام از دو زندانی، انتظار آن را نداشتند.

گرت هاردین در مقاله‌ای به نام «تراژدی اشتراک» (۱۹۶۸) به برخی از این موقعیت‌ها اشاره کرده است، از جمله چراندن بیش از حد دام در یک مرتع، یا صید بیش از اندازه از یک دریاچه، که باعث از بین رفتن منابع و در نتیجه، زیان جمعی دامداران یا ماهی‌گیران خواهد شد. داوز (۱۹۸۰) این موقعیت‌ها را «دوراهی اجتماعی» (Social Dilemma) نامیده است.

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی (که مبنای نظری بررسی دوراهی اجتماعی، و نیز مبنای نظری این مقاله است) با استفاده از نظر داوز (۱۹۸۰)، کالاک (۱۹۹۸)، ون لانگ و دیگران (۲۰۰۰)، ون وگت، بیل و دیگران (۲۰۰۰)، دوراهی اجتماعی، را می‌توان موقعیتی تعریف کرد که در آن هر کنشگر عضو یک گروه یا جامعه، در آن موقعیت با دو گزینه روبه‌رو است و یکی از این دو گزینه را (تقریباً اجباری) باید انتخاب کند: غیرهمیارانه یا تخریبی (defective)، که جست‌وجوی نفع فردی است) و همیارانه یا تعاونی (cooperative)، که جست‌وجوی نفع جمعی، یا جست‌وجوی نفع فردی از طریق نفع جمعی است). شرایط این موقعیت به گونه‌ای است که:

- برای هر کنشگر (بی‌توجه به این که دیگران چه می‌کنند)، انتخاب گزینه غیرهمیارانه، نفع بیشتری دارد.

- اگر تعداد قابل توجهی از کنشگران گروه یا جامعه، گزینه غیرهمیارانه انتخاب کنند، همه (از جمله خود آن کنشگران) در مقایسه با وضعیتی که گزینه همیارانه را انتخاب می‌کردند، زیان بیشتری می‌برند.

عوامل مؤثر بر رفتار در دوراهی اجتماعی: جست‌وجوی ادبیات گسترده نظری و تجربی دوراهی اجتماعی نشان می‌دهد که سه دسته اصلی عوامل بر رفتار کنشگران در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی اثر می‌گذارند:

الف) عوامل شخصیتی: دسته اول، عوامل شخصیتی شامل شخصیت (جهت‌گیری

ارزش‌های اجتماعی)، جنسیت، جهت‌گیری مذهبی، عقلانیت ابزاری و اعتماد تعمیم‌یافته است.

- جنسیت: چاتیاس، سولودکین و بارون (۱۹۸۸) در پژوهشی بر روی دانشجویان آمریکایی، آرژانتینی و پرویی، نشان دادند که زنان بیش از مردان همکاری می‌کردند. اکل و گروسمن (۱۹۹۸) نیز در تحقیق خود به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که آیا مردان کمتر از زنان خودخواه هستند یا نه، و برای آن یک بازی دیکتاتور (dictator game) طرح کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشتر جهت‌گیری اجتماعی دارند و مردان بیشتر جهت‌گیری فردی دارند، یعنی زنان دو برابر مردان، به یک شریک ناشناس در بازی دیکتاتور پول اختصاص دادند.

- عقلانیت ابزاری: تعریف ماکس وبر از کنش به لحاظ عقلانی هدفدار، کنشی است که بتوان اعمال فردی را که می‌کوشد با انتخاب وسایل مقتضی به هدف معینی نایل آید، فهم نمود، مشروط به این که کم و کیف وضعیتی که مبنای انتخاب اوست، برای ما آشنا باشد. (وبر، ۱۳۷۴) در پژوهش بیات (۱۳۷۲) رابطه کنش عقلانی و شکاف عقلانی و اخلاق عملی (رفتار عام‌گرایانه یا خاص‌گرایانه)، بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد کنش عقلانی با شکاف اخلاقی هم‌بستگی مثبت دارد. این رابطه به آن معنی است که هرچه کنش فرد حسابگرانه، معقول و مبتنی بر ارزیابی نتیجه و سود باشد، شکاف اخلاقی او بیشتر است. این مسئله قابل تامل است که افراد در دوراهی‌های اجتماعی، در برخی موارد محاسبات عقلانی (حتی با عنایت به محدودیت‌های آن) انجام نمی‌دهند، و بیشتر مطابق عادت و آنچه بر اساس آن جامعه پذیر شده‌اند، رفتار می‌کنند. اما چنانچه افراد در موقعیت دوراهی اجتماعی، به محاسبه هم دست بزنند، لزوماً به افزایش رفتارهای همیارانه در این موقعیت منجر نخواهد شد.

در پژوهش عظیمی هاشمی (۱۳۷۳) نیز رابطه میان تحصیلات و عام‌گرایی منفی است، یعنی افزایش سطح تحصیلات (بر خلاف انتظار اولیه) به افزایش رفتار و جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه نخواهد انجامید. در باب عقلانیت نیز وضع به همین منوال است. بدون وجود حداقلی از تعهد و اعتماد اجتماعی، بالا بودن سطح عقلانیت، رفتارهای همیارانه را موجب نخواهد شد.

- اعتماد تعمیم‌یافته: گیفین اعتماد بین‌شخصی را «اتکای فرد به طرف مقابل به منظور

دست‌یابی به اهداف مطلوب در یک موقعیت مخاطره‌آمیز» می‌داند. ویژگی‌های مفهوم اعتماد را می‌توان چنین برشمرد: روابط اجتماعی، وابستگی امور به آینده، عدم تعین و قطعیت، ریسک، و حسن ظن (امیرکافی، ۱۳۷۵). باربارا میزتال (۱۹۹۶)، به نقل از غراب، (۱۳۸۰) و آنتونی گیدنز (۱۳۷۷) بر نقش اعتماد در بنیان روابط در جامعه مدرن تأکید کرده‌اند. ساتو (۱۹۸۸) در پژوهشی با عنوان «اعتماد و اندازه گروه در یک دوراهی اجتماعی»، این مطلب را بررسی کرده که وقتی اندازه گروه افزایش می‌یابد، از تأثیر اعتماد بر همکاری کاسته می‌شود. نتیجه این بود که تأثیر مثبت اعتماد بر همکاری، فقط در گروه‌های کوچک وجود دارد.

- شخصیت (جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی): مهم‌ترین تحقیقات انجام شده در باره تأثیر شخصیت بر همکاری، آن دسته از تحقیقات است که بر جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی (social value orientation) تأکید دارد. بکرز (۲۰۰۱) بیان کرده که چهار نوع اساسی از رفتار (فردگرایی، همکاری، رقابت و ایثار)، به چهار نوع متفاوت از شخصیت باز می‌گردد، که مستقیماً رفتارها را در قالب انتخاب عقلانی طبقه‌بندی می‌کند؛ آنجا که فرد باید میان منافع خود و دیگری انتخاب کند. هوستون و دیگران (۲۰۰۰) نیز رفتار رقابتی را در یک بازی دوراهی زندانی هفت گزینه‌ای در میان ۱۰۸ دانشجوی بررسی کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که افراد رقابت‌جو ممکن است مستعدتر از دیگران، برای نشانه‌های اجتماعی‌ای که آغازگر رفتار رقابت‌جویانه است، باشند.

- جهت‌گیری مذهبی: دین، را به نحو بسیار کلی، می‌توان مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و عواطف (فردی - جمعی) دانست که حول تجربه حقیقت‌غایی یا امر قدسی و متعالی سامان یافته است (نراقی، ۱۳۷۵، به نقل از طالبان، ۱۳۷۸). دین شامل سه بعد اساسی است: بعد عاطفی دین، بعد شناختی دین، و بعد رفتاری دین. علاوه بر آن، نظریه پردازان انتخاب عقلانی، دو وجه دیگر از دینداری نیز مهم می‌دانند، که عبارتند از: تکثرگرایی دینی (موقعیتی که در آن شخص اجازه دارد از میان تفسیرها و سازمان‌های گوناگون و رقیب مذهبی، یک تفسیر یا سازمان را برای خود برگزیند)، و عرفی شدن (فرایندی که در آن فرد، پایبندی خود را به ارزش‌ها و عملکردهای سنتی رها می‌کند و تصمیم‌ها و کنش‌هایش را بر یک مبنای عقلانی ابزارگرایانه انجام می‌دهد) (استارک، ۱۹۹۴).

البته ابعاد سکولار (عرفی) یا تکثرگرایانه، لزوماً جزئی از جهت‌گیری دینی نیست، بلکه بخشی از جهت‌گیری‌ها در حوزه دین و معطوف به دین است، ولی تأثیر آن به اندازه‌ای است که

اصحاب مکتب انتخاب عقلانی معتقدند این نظریه می‌تواند جایگزین نظریه عرفی‌گرایی (که مکتب مسلط در جامعه‌شناسی دین است) شود (یونگ، ۱۹۹۷). تحقیقات بسیاری (آرگایل، ۱۳۷۹) نشان داده است که دینداری و گرایش‌های دینی، به افزایش میزان رفتارهای همیارانه افراد منجر می‌شود، که البته تمام آن‌ها از دریچه خیر جمعی این تاثیر را نشان داده‌اند، نه از منظر انتخاب عقلانی.

ب) عوامل موقعیتی: دسته دوم، عوامل موقعیتی است که به آن دسته از عوامل باز می‌گردد که در خود موقعیت دوراهی اجتماعی و ساختار آن اثر می‌گذارد. این عوامل عبارتند از: اعتماد به همکاری دیگران، اثربخشی عمل جمعی، نفع جمعی درازمدت، پاداش عمل جمع‌گرایانه و تنبیه عمل فردگرایانه، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، ارتباطات با دیگر کنشگران، آگاهی از دوراهی اجتماعی و پیامدهای رفتار غیرهمیارانه در آن، تأثیر تجربه قبلی.

- آگاهی کنشگران از دوراهی اجتماعی و پیامدهای آن: آگاهی کنشگران درگیر در یک موقعیت اجتماعی، از این که در یک دوراهی اجتماعی قرار دارند، و اطلاع آن‌ها از این که رفتار غیرهمیارانه آن‌ها چه پیامدهایی می‌تواند برای دیگران و خود آن‌ها داشته باشد، بر رفتار افراد در دوراهی اجتماعی تاثیر دارد.

پژین و ریژئیس (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اطلاع از دوراهی اجتماعی بر تعیین بودجه تبلیغاتی»، به نیمی از آزمودنی‌ها، درباره مخاطرات دوراهی اجتماعی و پیامدهای منفی اجتماعی آن، آگاهی داده بودند و به نیم دیگر، خیر. یکی از فرضیات آن‌ها این بود که تصمیمات بودجه‌ای می‌تواند بر آگاهی آزمودنی‌ها از تهدیدات دوراهی اجتماعی، پیش‌بینی شود. محققان، تفاوت در تعیین بودجه تبلیغاتی در ۳۲ گروه آزمایشی را مشاهده کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که آزمودنی‌هایی که اطلاعاتی درباره تهدیدهای اجتماعی دوراهی اجتماعی، دریافت کرده بودند، بیشتر در بودجه‌های تبلیغاتی خود، مدارا می‌کردند (اختصاص ۱۰/۹٪ از کل فروش به تبلیغات)، نسبت به آزمودنی‌هایی که محروم از این اطلاع بودند (اختصاص ۱۳/۹٪ از کل فروش به تبلیغات) و فرضیه آن‌ها تایید شد.

نیلسون نیز در پژوهشی با عنوان «علل زیر پا گذاشتن قواعد ترافیکی توسط رانندگان در سوئد» (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های یک تحقیق تجربی، عواملی را که باعث می‌شود برخی رانندگان در سوئد، قواعد ترافیکی را زیر پا بگذارند، چنین بیان کرده است: برخی رانندگان، رانندگی را خطرناک نمی‌دانند؛ برخی رانندگان، قواعد رانندگی را تضمینی برای تصادف نکردن

نمی‌دانند؛ و برخی رانندگان، امنیت جاده‌ها را یک مشکل بزرگ نمی‌دانند. این موارد نشان می‌دهد گاه ناآگاهی از خطرناک بودن رفتار برای دیگران، می‌تواند منجر به رفتارهای فردگرایانه شود.

ون وگت و ساموئلسون (۱۹۹۹)، بحث کرده‌اند که دوراهی اجتماعی در مواقع بحران منابع بسیار چشم‌گیر است، مواقعی مانند کمبود فوری آب یا انرژی، مصرف عنان‌گسیخته و مهارنشده بعضی افراد می‌تواند تأثیرات ویران‌کننده و حیرت‌آور بر دسترسی به منابع برای همه داشته باشد. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که تلاش برای حفاظت منابع طبیعی، در آزمودنی‌ها زیادتر بود وقتی آن‌ها درک کرده بودند که کمبود آب یک مسئله جدی است.

- اعتماد به همکاری دیگران: از اساسی‌ترین عوامل موثر بر همکاری افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، اعتماد آن‌ها به همکاری دیگران در این موقعیت‌ها است، به گونه‌ای که وقتی اعتقاد نداشته باشند که دیگران در این موقعیت رفتار همیارانه دارند، خود آن‌ها نیز رفتار همیارانه نخواهند داشت. فلیشمن (۱۹۸۸) در یک آزمایش با ۱۶۵ دانشجویی که در یک بازی شبیه‌سازی شده دوراهی اجتماعی شرکت کرده بودند، نشان داد که آزمودنی‌ها خود را با رفتار دیگران هماهنگ می‌کردند و وقتی که آن‌ها صور مختلفی از رفتار (همکاری ظاهری، همکاری کم یا همکاری زیاد) را بروز دادند، میزان همکاری آزمودنی‌ها نیز تغییر می‌کرد.

لیبراند و دیگران (۱۹۸۶) در آزمایشی با ۱۱۶ مرد و ۱۰ زن دانشجویی کارشناسی، آزمودنی‌ها را به دو گروه همکاری‌کننده و عدم همکاری‌کننده، تقسیم کرده بودند و در یک بازی اجتماعی شرکت داده بودند و البته قبل از شروع بازی به آن‌ها به صورت بازخورد دروغین گفته می‌شد که اکثریت، گزینه همکاری را انتخاب کرده‌اند یا گزینه عدم همکاری را. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین میزان عدم همکاری، بعد از بازخورد عدم همکاری دیگران بود. در پژوهش چاتیاس و دیگران (۱۹۹۸)، در مجموع در اکثر موقعیت‌ها، مردم تمایل به تطبیق رفتار خود با آنچه آن‌ها فکر می‌کنند که دیگران انجام خواهند داد، دارند. ون لانگ، ون وگت، میرتینز، و رویتر (۱۹۹۸) در پژوهش خود این نتیجه را گرفتند که دو شرط اهداف اجتماعی و اعتماد به دیگران، برای دستیابی به ترجیحات رفت و آمدی مناسب اجتماعی، لازم است.

- شرایط رقابتی یا همکارانه درون موقعیت: یعنی بازیگران درون یک موقعیت، چگونه وضعیت را تفسیر می‌کنند: رقابت‌آمیز یا دوستانه. تفسیر دوستانه و همیارانه کنشگران از موقعیت، باعث افزایش رفتارهای همیارانه افراد خواهد شد. وقتی به افراد شرکت‌کننده

در یک آزمایش گفتند در حال بازی Wall Street هستند، که از نام آن برمی آید که یک بازی با هدف کسب سود بیشتر و رقابت آمیز است، میزان رفتارهای همیارانه ۱۶ درصد بود؛ اما وقتی به همان بازی، نام Community دادند، میزان همکاری به ۳۰ درصد افزایش یافت. (استوت، ۲۰۰۱)

باستون و دیگران (۱۹۹۵) در آزمایشی به این نتیجه رسیده‌اند که احساس همدلی نسبت به اعضای جمع در یک موقعیت دوراهی اجتماعی، فرد را به سمت تمایلات دیگرخواهانه برای تخصیص منابع و استفاده کمتر از کالاهای عمومی متمایل می‌کند. هوستون و دیگران (۲۰۰۰) رفتار رقابتی را در بازی دوراهی زندانی هفت گزینه‌ای در ۱۰۸ دانشجوی آزمون کردند و شرایط را به سه طبقه رقابت جویی بالا، متوسط و پایین تقسیم کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرایط رقابتی بیش از شرایط فقدان رقابت باعث رفتار رقابت جویانه می‌شود.

- ادراک از اثربخشی همکاری: به معنای آن است که بازیگران درگیر در یک موقعیت، چقدر گزینه همکاری را مفید فایده می‌دانند و آن را در راه رسیدن به نفع جمعی متصور، اثربخش می‌پندارند. هنری (۲۰۰۰) در یک آزمایش دوراهی کالای همگانی برای تولید یک کالای همگانی (مقاله گروهی هفتگی)، تأثیر ادراک اولیه و متأخر (late) از اثربخشی همکاری را سنجید و این نتیجه را گرفت که تنها ادراک اولیه از اثربخشی همکاری بر همکاری افراد اثر می‌گذارد.

کِر و کافمن - گیلیارد (۱۹۹۷) در آزمایشی بر روی ۱۰۶ دانشجوی دوره کارشناسی، عوامل بازدارنده روشن و واضحی برای همکاری نکردن در دوراهی اجتماعی تعیین کردند و ملاحظه کردند که عوامل بازدارنده شدیدتر، نه فقط همکاری را کاهش می‌دهد، بلکه ادراک آن‌ها را از اثر بخشی همکاری و تأثیر آن بر رفاه اعضای گروه را نیز تغییر می‌دهد. آن‌ها بیان می‌کنند که مردم تأثیر توجیه کردن رفتارهای غیرهمیارانه را بوسیله به حداقل رساندن اثربخشی کنش‌های همیارانه نشان می‌دهند. این به حداقل رساندن، با این جمله معروف توجیه می‌شود که «تازه اگر هم می‌خواستم، نمی‌توانستم کاری بکنم». لیبراند و دیگران (۱۹۹۶) معتقدند که در یک دوراهی اجتماعی چند نفره، همکاری وقتی افزایش می‌یابد که فایده بخشی درک شده‌ی همکاری بیشتر باشد.

- تنبیه رفتارهای فردگرایانه و پاداش رفتارهای جمع‌گرایانه: یکی دیگر از عوامل موثر بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، آن است که آیا رفتارهای غیرهمیارانه تنبیه

می شوند یا خیر، و آیا رفتارهای همیارانه تشویق می شوند یا خیر. ساختار پاداش و تنبیه، و تغییر در آن در جهت همیاری، یکی از راه‌حل‌هایی است که برای دوراهی اجتماعی پیشنهاد شده است.

چن، چانگ و چنگ (۱۹۹۷) در پژوهشی بین‌فرهنگی در باره دوراهی اجتماعی، بین رفتارهای همیارانه دانشجویان تایوان و آمریکا در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی مقایسه کرده‌اند و تأثیر امتحان/مجازات را بر رفتار همیارانه آن‌ها و رفتار بین فردگرایی و جمع‌گرایی، مطالعه کرده‌اند. آن‌ها در این مطالعه، پارادیم ذخیره‌سازی منابع را در مورد ماهی‌گیری مورد استفاده قرار داده‌اند، و سه عامل تعیین‌کننده زیر را به دست آورده‌اند: احتمال بازرسی (معاینه/امتحان) شناخته‌شده در برابر شناخته‌نشده؛ احتمال کم یا زیاد امتحان؛ و درجه مجازات. نتایج تحقیق هارورد (۱۹۸۳) از ۵ آزمایش دوره کلاسی ۵۰ دقیقه‌ای با بیش از ۶۰ دانشجو و قرار دادن آن‌ها در یک دوراهی زندانی چندنفره، نیز تأثیر ساختار پاداش بر رفتار همیارانه را نشان داده است.

- نفع جمعی درازمدت: اندازه و زمان حصول نفع جمعی درازمدت، یعنی کنشگران درگیر در یک موقعیت دوراهی اجتماعی، باید میان یک نفع جمعی درازمدت با احتساب زمان به عنوان یک هزینه یا نفع منفی، و یک نفع آنی انتخاب کنند. نیلسون (۲۰۰۰) دو عامل زیر را بر همکاری مردم در موقعیت دوراهی اجتماعی مؤثر می‌داند: ملاحظه افراد درباره سود و زیان‌های رفتارشان، و ملاحظه سود و زیان‌های متوجه جمع.

پوپ و اوتنس (۱۹۸۶) نقش طمع را در همکاری کردن مردم در یک کالای همگانی سنجیده است. آزمودنی‌ها، به صورت معنی‌داری، کمتر در صندوق شریک می‌شدند وقتی که اندازه پول در صندوق جمعی افزایش می‌یافت. این نتایج نشان داد که طمع، انگیزه اصلی برای خودداری از مشارکت در صندوق جمعی است. استگ و گاترسلین (۲۰۰۰) معتقدند که برای بسیاری از مردم، مطلوبیت‌های فردی استفاده از خودرو (مانند سرعت، راحتی، سهولت، و انعطاف پذیری)، بر هزینه‌های اجتماعی آن (مسایل محیطی، امنیتی و دسترسی پذیری) می‌چربد. در پژوهش چاتیاس و دیگران (۱۹۹۸)، همکاری با تأثیر درازمدت عمل و تأثیر بر دیگران، هم‌بستگی مثبت دارد: همکاری‌کنندگان به این عقیده باور دارند که همکاری به دیگران و خودشان در درازمدت کمک می‌کند.

- امکان ارتباط میان کنشگران در یک موقعیت دوراهی اجتماعی: از عوامل اجتماعی است

که بر رفتار افراد در این موقعیت اثر می‌گذارد. در بازی دوراهی زندانی، فرض اساسی در این بازی این است که دو طرف هم‌دیگر را نمی‌بینند و امکانی برای ارتباط داشتن با هم ندارد، و همین مسئله است که باعث می‌شود عدم همکاری، استراتژی مسلط در بازی دوراهی زندانی شود. کِر و کافمن - گیلیارد (۱۹۹۴) نشان داده‌اند که ارتباطات درون گروهی، همکاری را در دوراهی اجتماعی افزایش می‌دهد. آن‌ها دو دلیل را برای این افزایش پیش‌بینی کرده‌اند: ارتباطات باعث افزایش احساس هویت گروهی می‌شود و یا تعهد به همکاری را ترغیب می‌کند.

کولاک (۱۹۹۸) یکی از راه‌حل‌های انگیزشی حل مسئله دوراهی اجتماعی به نفع جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه، را ارتباطات می‌داند. وی معتقد است وقتی افراد فرصت پیدا می‌کنند تا با یکدیگر حرف بزنند، همکاری به نحو محسوسی افزایش می‌یابد. آکوئینو و رید (۱۹۹۸) تأثیر ارتباط قبلی گروه برای تصمیم‌سازی را در کاهش استفاده از منابع کمیاب و افزایش همکاری و جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه، مثبت برآورد کرده‌اند. هنریش و اسمیت (۱۹۹۹) نشان داده‌اند که آشنایی محلی بر میزان همکاری بازیکنان در بازی اولتیماتوم تأثیر می‌گذارد.

- تأثیر تجربه‌های قبلی از رفتار در موقعیت‌های مشابه: گوتسچی (۲۰۰۰) تأثیر شبیح آینده را بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی زندانی یا دوراهی اعتماد سنجیده است، و نتیجه گرفته که تجربیات گذشته فرد، که از کنش متقابل وی با دیگران در موضوعات دیگر (تاریخ یا سایه گذشته) ناشی شده، بر رفتار جاری فرد در یک موقعیت دیگر که کمتر شناخته شده است، تأثیر می‌گذارد. تاکزاوا (۱۹۹۹) تأثیر رفتار غیر منصفانه را در دوراهی اجتماعی سنجیده است. او در این آزمایش انتظاراتی را که دیگر شرکت‌کنندگان در بازی از آزمودنی‌ها داشتند، منتقدانه و عیب‌جویانه نشان داد. نتایج نشان داد که تجربه رفتار غیر منصفانه بر انگیزش و انتظارات دانشجویان اثر می‌گذارد و سطح همکاری را پایین می‌آورد.

ج) فضای کنش: دسته سوم از عوامل، فضای کنش است که بر اساس مدل مناطق حدی چهارگانه پارسونزی AGIL، پیش‌بینی می‌کند که در فضای کنش، منطق هر حوزه همراه با هنجارها و روابط مربوط به هر حوزه از فضای کنش روی رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی در آن حوزه اثر دارند. این الگو که بر اساس نظر چلبی (۱۳۸۱ب) ارایه شده است. چلبی در مدل خود پیش‌بینی می‌کند که در هر منطقه از فضای کنش، رفتارها در موقعیت‌های

دوراهی اجتماعی در آن منطقه متفاوت است، به گونه‌ای که برای منطقه حدی A، پیش‌بینی می‌کند که کنشگر در این موقعیت دوراهی اجتماعی، گزینه عدم همکاری را انتخاب می‌کند. برای منطقه حدی G، پیش‌بینی می‌کند که کنشگر فرادست در این موقعیت دوراهی اجتماعی، گزینه عدم همکاری و کنشگر فرودست، گزینه همکاری را انتخاب می‌کند. برای منطقه حدی I، پیش‌بینی می‌کند که کنشگر در این موقعیت دوراهی اجتماعی، گزینه همکاری را انتخاب می‌کند.

به علاوه، همین مدل پیش‌بینی می‌کند که بازی توضیح‌دهنده رفتار کنشگران در منطقه حدی A، بازی دوراهی زندانی؛ در منطقه حدی G، برای کنشگر فرادست، بازی دوراهی زندانی و برای کنشگر فرودست، بازی بزدلانه؛ در منطقه حدی I و I، بازی اعتماد و بازی هم‌نوایی است.

عوامل فضای کنش که بر رفتار در دوراهی اجتماعی اثر می‌گذارند، عبارتند از: هنجارهای حاکم بر کنش، نوع روابط حاکم بر کنش، موقعیت‌های کنش، و ترجیحات رفتاری. - هنجارهای حاکم بر کنش: به معنای آن است که افراد در موقعیت‌های بازی (و دوراهی اجتماعی) بر اساس هنجارهای متفاوت (و منطبق با نقاط حدی پارسونزی)، رفتارهای متفاوتی خواهند داشت. بر این اساس، می‌توان چهار هنجار زیر را طراحی کرد: هنجار کارایی فنی، هنجار حقیقت‌جویی، هنجار وفاداری به آداب اجتماعی، و هنجار مسئولیت فردی در برابر سیستم.

- نوع روابط حاکم بر کنش: نیز بر رفتار افراد موثر است. این روابط عبارتند از: رابطه دوستی، رابطه بازاری، رابطه فرهنگی، و رابطه اداری. رابطه اداری یا سیاسی به دلیل این که دارای عنصر قدرت است، خود به دو نوع رابطه اداری فرادست و رابطه اداری فرودست، تقسیم می‌شود.

- محیط کنش: چلبی (۱۳۸۱ب) و برنز (۱۹۹۴)، به نقل از چلبی، (۱۳۸۱ب) در نقد بر جریان کلاسیک نظریه بازی، معتقدند که محیط و بافت اجتماعی کنش، بر رفتار کنشگران در موقعیت‌های بازی موثر است، مسئله‌ای که اکثراً مغفول مانده است. موقعیت‌های کنش در این پژوهش، موقعیت سیاسی (پادگان)، اقتصادی (بازار)، فرهنگی (دانشگاه) و اجتماعی (محل) است.

- ترجیحات رفتاری: بوناسیچ (۱۹۹۵) معتقد است که می‌توان بین انواع مبادله (و برخی دیگر از موقعیت‌های اجتماعی) و انواع بازی رابطه‌ای پیدا کرد. خود وی چهار نوع بازی (دوراهی زندانی، بزدلانه، اعتماد و هم‌نوایی) را بررسی کرده است. در این تحقیق سعی شده تا چهار نوع ترجیح رفتاری را منطبق بر این چهار نوع بازی، در یک موقعیت (ایستگاه اتوبوس) طراحی کرد. در یک بازی دونفره (و البته چندنفره)، مهم‌ترین استراتژی‌های در دسترس یک بازیگر عبارتند از: همکاری و عدم همکاری. چنانچه در یک بازی، دو نفر با هم روبه‌رو باشند، می‌توان چهار ترجیح رفتاری را برای بازیگر الف در برابر بازیگر ب، متصور شد: وسوسه، پاداش، مجازات، حماقت. ترجیحات رفتاری، و بازی‌های مورد بررسی در این پژوهش، بازی‌های بزدلانه، دوراهی زندانی، اعتماد و هم‌نوایی است (شرح این بازی‌ها و ترجیحات رفتاری در جای دیگری (جوادی یگانه، ۱۳۸۳ ب) آمده است).

از مجموع مباحث ذکر شده، می‌توان فرضیات زیر را اخذ کرد:

فرضیه اول: «عوامل شخصیتی افراد، بر رفتار آن‌ها در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی مؤثر است.»

فرضیه دوم: «عوامل موقعیتی حاکم بر دوراهی اجتماعی، بر رفتار افراد در آن موقعیت‌ها مؤثر است.»

فرضیه سوم: «در فضای کنش، منطق هر حوزه همراه با هنجارها و روابط مربوط به هر حوزه از فضای کنش روی رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی در آن حوزه اثر دارند.»

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به این که این پژوهش درصدد بررسی رفتار مردم در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی بوده و این متغیر در سطح فرد مورد بررسی قرار گرفته، و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده، واحد تحلیل این پژوهش «فرد» است. برای انجام پژوهش از پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه اولیه، پس از تهیه، در ۵ منطقه تهران با ۲۵ نمونه پیش‌آزمون شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای تمام موقعیت‌ها بیش از ۰/۵ و امکان آزمون اصلی فراهم بود.

با توجه به اهداف این طرح پیمایشی، جامعه آماری آن شامل مجمرعه ساکنان پانزده ساله و بالاتر ساکن در شهر تهران بزرگ بود. روش نمونه‌گیری آن نیز، طبقه‌بندی متناسب با حجم

جمعیت هر یک از طبقات و انتخاب نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک بود. در این روش نمونه گیری، هر یک از مناطق ۲۲ گانه، به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد. با توجه به شیوه نمونه گیری مذکور و در نظر گرفتن اصل تعمیم پذیری (قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده از واحدهای نمونه به کل جامعه آماری) از کلیه بلوک های ساختمانی شهر تهران با استفاده از فرمول زیر تعداد بلوک نمونه (توسط مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه ای صدا و سیما) محاسبه شد:

$$n = \frac{Z^2 * s^2 / E^2}{\{1 + [1/N * (Z^2 * s^2 / E^2)]\}}$$

در فرمول بالا N نماینده مجموعه بلوک های ساختمانی است (N=۳۲۴۷۹)، با احتساب ۹۵ درصد ضریب اطمینان، مقدار عددی حرف Z با استفاده از جدول منحنی توزیع نرمال برابر ۱/۹۶ است. مقدار عددی حرف E (ضریب اشتباه در برآورد نمونه) برابر با (E=۰.۳/۲) در نظر گرفته شد. S^۲ واریانس یا میزان پراکندگی متغیر اصلی (میزان رفتار همیارانه در موقعیت دوراهی اجتماعی به صورت نسبت رفتار همیارانه و غیرهمیارانه) بر اساس یافته های تحقیق دیگری (جوادی یگانه، ۱۳۸۳ الف) برابر با ۰/۱۹۲۴ محاسبه گردید. بنابراین، با جایگزین کردن مقادیر معلوم به جای حروف متناظر، تعداد نمونه برابر با ۷۳۰ واحد نمونه به دست آمد و پرسشگری در روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن ۱۳۸۲ انجام شد.

برای سنجش اعتبار (validity) محتوا، در این پژوهش، پرسش نامه تحقیق، توسط اساتید علوم اجتماعی مورد بررسی و تایید قرار گرفته، و این نشان از اعتبار محتوای آن است. علاوه بر آن، استفاده از مدلی از پرسش نامه، که با تغییراتی، پیش از این توسط صاحب نظران دوراهی اجتماعی (چاتیاس، سولودکین و بارون، ۱۹۸۸) در مورد روی دانشجویان آمریکایی، آرژانتینی و پرویی انجام شده بود، نیز بر اعتبار محتوای این تحقیق می افزاید.

برای سنجش اعتبار سازه ای، در این پژوهش، برخی از فرضیات، از جمله تأثیر تجربه قبلی، تأثیر ارتباطات، و نفع جمعی درازمدت بر رفتار در دوراهی اجتماعی، علاوه بر پیمایش، در شبیه سازی رفتار در دوراهی اجتماعی (که گزارش آن در مقاله ای دیگر ذکر خواهد شد) هم بررسی شده، که نتایج این دو روش با هم همگون است و لذا این ابزار، از اعتبار سازه ای برخوردار است. به علاوه، حجم بالای منابع مورد استفاده، که عوامل مؤثر بر رفتار در دوراهی

اجتماعی را سنجیده‌اند، و تأیید بیش‌تر آن‌ها در این آزمون، نیز اعتبار سازه‌ای را بالا می‌برد. برای سنجش پایایی (reliability)، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای هر موقعیت، این ضریب به صورت جداگانه محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های موقعیت رعایت نوبت در ایستگاه اتوبوس، برابر با ۰/۷۹۰۵؛ موقعیت ریختن زباله ۰/۶۲۳۹؛ موقعیت پول دادن برای آسفالت کردن کوچه ۰/۶۰۴۸؛ موقعیت مأمور گمرک (پس از حذف سه گویه) ۰/۷۶۹۲؛ موقعیت تمدید گذرنامه (پس از حذف چهار گویه) ۰/۷۴۲۴؛ و موقعیت استخدام در اداره ۰/۶۳۵۲ است.

برای سنجش دوراهی اجتماعی، که متغیر وابسته این پژوهش است، از آزمون موقعیت استفاده شده است. برای بررسی رفتار در دوراهی اجتماعی، شش موقعیت طراحی شد. در این موقعیت‌ها، افراد مخیر بودند بین صرف نظر کردن از منافع فردی کوتاه‌مدت و در نظر گرفتن نفع جمعی (گزینه همیارانه)، و عمل بر اساس نفع فردی آنی و بی‌توجهی به منافع جمعی (گزینه غیرهمیارانه). این شش موقعیت (که در پرسش‌نامه همه به همین صورت ذکر شده بود) عبارت بود از:

- موقعیت رعایت نوبت در ایستگاه اتوبوس: فرض کنید که در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌اید دیرتان شده و صف اتوبوس نیز شلوغ است. تا کسی نیز در دسترس نیست. وقتی اتوبوس آمد، اگر از کسانی که جلوی شما ایستاده‌اند جلو بزنید، می‌توانید سوار این اتوبوس بشوید.

- موقعیت ریختن زباله در پارک: فردی با خانواده خود برای پیک‌نیک به یک پارک رفته است، آن‌ها غذای خود را خورده‌اند و در هنگام ترک پارک، سطل زباله‌ای در نزدیکی خود نمی‌بینند که زباله‌ها را در آن بیندازند. تنها یک سطل زباله در فاصله نسبتاً دوری وجود دارد. فرض کنید که شما به جای افراد این خانواده‌اید.

- موقعیت پول دادن برای آسفالت کردن کوچه: اهالی کوچه‌ای می‌خواهند پول روی هم بگذارند تا بتوانند آن کوچه را آسفالت کنند. وقتی که کوچه آسفالت شد، نمی‌توان افرادی را که در آسفالت کردن مشارکت نداشته‌اند، از استفاده از آسفالت کوچه منع کرد. فرض کنید شما ساکن این کوچه‌اید.

- موقعیت رشوه گرفتن مأمور گمرک: یک مأمور گمرک در فرودگاه با فردی روبه‌رو شده که از خارج کامپیوتری جدید با خود آورده و حدوداً سه میلیون تومان می‌ارزد. او به مأمور گمرک پیشنهاد می‌کند که اگر بتواند کاری کند که کامپیوتر بدون دادن گمرکی ترخیص شود، به مأمور

گمرک ۲۰۰ هزار تومان انعام خواهد داد. فرض کنید که شما به جای مأمور گمرک آید.

- موقعیت تمدید گذرنامه: فردی برای تمدید اعتبار گذرنامه خود به اداره گذرنامه مراجعه کرده است. به دلیل کمبود کارمندان و عملکرد نامناسب اداره گذرنامه، صفی طولانی برای تمدید گذرنامه وجود دارد که حداقل ۵ ساعت طول می کشد تا نوبت به آن فرد برسد. یک نفر در آن اداره پیشنهاد می کند که اگر به او ۱۰ هزار تومان بدهید، گذرنامه شما را بیست دقیقه ای تمدید خواهد کرد. فرض کنید شما به جای صاحب گذرنامه آید.

- موقعیت استخدام در اداره: مدیر یک اداره، می خواهد یک نفر را استخدام کند. از میان داوطلبان، دو نفر، امتیاز لازم را برای استخدام را دارند: فرزند یکی از آشنایان و یک غریبه و غریبه امتیاز بالاتری دارد. فرض کنید شما جای مدیر این اداره آید.

در این موقعیت ها، به صورت مستقیم رفتار فرد پرسیده شده است. اگر بنا بود که به واقع رفتار فرد سنجیده شود، باید رفتار فرد مستقیماً در آن موقعیت ها (واقعی با روش میدانی، آزمایشی، یا شبیه سازی) مشاهده و اندازه گیری می شد، اما به دلیل دشواری سنجش مستقیم رفتار، می توان با واسطه خود فرد، رفتار فرد را از خود وی پرسید. در این نوع پرسش، چون فرد، درباره رفتار خود پاسخ می دهد، در هر حال «نظر فرد نسبت به رفتار» است و نه «رفتار فرد»، اما می توان با مسامحه، این پاسخ را «رفتار فرد» تلقی کرد. اما باید دقت کرد که در این مواقع، فرد به واقع رفتار واقعی خود را بیان نمی کند، به ویژه اگر رفتار از نظر آداب اجتماعی، ناپسند باشد. زیرا در موقعیت های دوراهی اجتماعی نیز رفتارهای غیرهمیارانه از همین نوع اند. بنابراین، در تفسیر نتایج باید دقت کرد. در این باره در نتیجه گیری همین مقاله توضیح داده خواهد شد.

یافته ها

اندازه گیری میزان رفتار همیارانه افراد: میزان رفتار همیارانه در دوراهی های اجتماعی ذکر شده توسط خود آزمودنی ها در پیمایش، در سه موقعیت اجتماعی (ایستگاه اتوبوس، زیاله ریختن در پارک، و آسفالت کردن کوچه)، بیش از ۸۵ درصد و در موقعیت های اقتصادی (تمدید گذرنامه، و مأمور گمرک) و سیاسی (استخدام در اداره) بین ۶۵ تا ۸۰ درصد است. یعنی بیش از دو سوم پاسخ گویان معتقدند که در موقعیت های دوراهی اجتماعی، همیارانه رفتار می کنند. میزان رفتار همیارانه سایر مردم از نظر پاسخ گویان (از یک طرف، به نوعی فرافکنی رفتار آنها نیز می تواند تلقی شود) در موقعیت های اجتماعی حداکثر ۴۰ درصد و در

موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی که حاوی نفع مادی چشم‌گیر برای فرد است، زیر ۲۰ درصد است. اعتماد به همکاری دیگران، و اندازه رفتار همیارانه سایر مردم، از طرف دیگر، موثر بر رفتارهای همیارانه فرد است. یعنی اگر فرد بداند، یا احتمال بدهد که دیگران، در این موقعیت رفتار غیرهمیارانه دارند، وی نیز متمایل خواهد شد که رفتار غیرهمیارانه داشته باشد، حتی اگر در سطح نظام شخصیت، تمایلات جمع‌گرایانه (یا همکاری، در جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی) داشته باشد.

تصور از رفتار غیرهمیارانه دیگران، می‌تواند فرافکنی از رفتار خود فرد باشد. همان‌طور که مرتون (۱۳۷۶) نیز بیان می‌کند بعضی ارزش‌های اخلاقی هستند که در دکتترین عقیدتی جامعه مورد تأیید قرار گرفته، اما تا اندازه‌ای در عمل اجتماعی رد شده‌اند. رفتارهای غیرهمیارانه، به ویژه آنگاه که با تضییع محسوس حقوق دیگران همراه باشد، حتی اگر از سوی افراد دنبال شود، باز هم تأیید نمی‌شود، چه در گفتار و یا در ذهن، و فرد مرتکب آن ناگزیر از توجیه این رفتار است. بنابراین، با تفاوتی ۵۰ درصدی میان رفتار مردم و رفتار فرد روبه‌روایم، که مقداری از آن می‌تواند به نفع رفتارهای غیرهمیارانه، مصادره شود.

آزمون فرضیات: آزمون دو متغیری فرضیات، هر سه فرضیه را تأیید کرد. در ابتدا گزارش مختصری از این آزمون‌ها داده می‌شود. تمام آزمون‌های دو متغیری با استفاده از آزمون خی دو و با حداقل سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شده است. به دلیل آنکه برای هر فرضیه، روابط دو متغیری در هر شش موقعیت دوراهی اجتماعی سنجیده شده، از ذکر آزمون‌ها صرف‌نظر شده و به گزارش نتایج آن اکتفا می‌شود.

آزمون فرضیه اول: از شش موقعیت بررسی شده، تنها در سه موقعیت، رابطه میان جنسیت و رفتار در دوراهی اجتماعی معنی دار است. بنابراین، نمی‌توان این فرضیه را تأیید شده دانست. اما در هر حال، در تمام موقعیت‌ها زنان بیشتر رفتار همیارانه دارند، و مردان بیشتر رفتار غیرهمیارانه.

آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که هر چند که در ابعاد عاطفی و رفتاری، رابطه معنی داری میان پذیرش این ابعاد و رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی وجود ندارد، اما هم تأثیر مذهب که در هر موقعیت جداگانه سنجیده شده، و هم رابطه مستقیم بعد شناختی و هم رابطه معکوس وجه سکولار، نشان‌دهنده تأثیر مثبت جهت‌گیری‌های مذهبی بر رفتار همیارانه در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی است. و البته وجوه دیگر دین مانند تکثرگرایی و بعد سکولار

نیز تأثیر منفی دارند یا تأثیری ندارند.

در بیشتر موقعیت‌ها، رابطه بین نوع شخصیت (جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی) و رفتار افراد در این موقعیت‌ها معنی‌دار است. جهت این رابطه به گونه‌ای است که افراد فردگرا، بیشتر رفتار غیرهمیارانه دارند تا همیارانه؛ افراد با شخصیت همیارانه، بیشتر رفتار همیارانه دارند تا افراد دارای شخصیت غیرهمیارانه؛ افراد با شخصیت رقابت‌جو بیشتر رفتار غیرهمیارانه دارند و درباره شخصیت ایثارگرایانه رابطه ثابتی وجود ندارد.

رابطه میان عقلانیت ابزاری و رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، معنی‌دار نیست، که ادبیات موضوع نیز آن را پیش‌بینی کرده بود. رابطه میان اعتماد تعمیم‌یافته و رفتار اکثر موقعیت‌های دوراهی اجتماعی معنی‌دار نیست.

در مجموع، تأثیر بیشتر عوامل شخصیتی بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی معنی‌دار است و از این رو فرضیه «عوامل شخصیتی افراد، بر رفتار آن‌ها (در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی) مؤثر است» تأیید می‌شود.

- آزمون فرضیه دوم: در بیشتر موقعیت‌ها، بین رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی و اعتماد آن‌ها به همکاری دیگران در این موقعیت‌ها رابطه معنی‌داری موجود است. در تمام موقعیت‌ها، رابطه میان اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی و نوع رفتار در دوراهی اجتماعی معنی‌دار است. رابطه نفع جمعی درازمدت و رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی معنی‌دار است. رابطه بین اعتقاد به پاداش یا تنبیه عمل جمعی یا فردی، با رفتار افراد در دوراهی اجتماعی در سه موقعیت این رابطه معنی‌دار است و در سه موقعیت دیگر معنی‌دار نیست. موقعیت‌هایی که این رابطه در آن معنی‌دار است، نوعاً موقعیت‌هایی است که رفتار غیرهمیارانه در آن‌ها جرم تلقی می‌شود، و به نوعی از لحاظ قانونی نیز قابل تنبیه است؛ برای مثال رشوه‌دادن و یا رشوه‌گرفتن جرم است.

در تمام موقعیت‌هایی که در آن رابطه میان نوع شرایط حاکم بر موقعیت از لحاظ رقابتی بودن یا نبودن، و رفتار در دوراهی اجتماعی سنجیده شده بود، این رابطه معنی‌دار بود، و افرادی که شرایط موقعیت را غیررقابتی می‌دانستند، بیش از افرادی که شرایط موقعیت را رقابتی می‌دانستند، رفتار همیارانه داشته‌اند. رابطه میان ارتباط میان کنشگران در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی و رفتار آن‌ها در این موقعیت‌ها، در تمام موقعیت‌ها، معنی‌دار است.

رابطه میان اطلاع از پیامدهای رفتار غیرهمیارانه در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، با

رفتار در بیشتر این دوراهی‌ها معنی‌دار است. یعنی افرادی که در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی رفتار همیارانه داشته‌اند، بیش از کسانی که رفتار غیرهمیارانه داشته‌اند، عوارض و پیامدهای منفی دوراهی اجتماعی را ذکر کرده‌اند. رابطه میان تأثیر تجربه قبلی از همکاری دیگران و رفتار در دوراهی اجتماعی در سه موقعیت اقتصادی و سیاسی معنی‌دار است و در موقعیت‌های اجتماعی معنی‌دار نیست. تمام فرضیات فرعی فرضیه دوم، مورد تأیید قرار گرفتند و از این رو می‌توان فرضیه «عوامل موقعیتی حاکم بر دوراهی اجتماعی، بر رفتار افراد در آن موقعیت‌ها موثر است» را تأیید شده تلقی کرد.

- آزمون فرضیه سوم: برای بررسی این فرضیه، در یکی از موقعیت‌ها، که قابلیت بیشتری برای طرح حالت‌های گوناگون در آن موجود بود (موقعیت ایستگاه اتوبوس)، چهار منطقه حدی (با روابط: بازاری، ارتشی، دانشگاهی و محلی) تعریف شد. رابطه بین پذیرش هنجارهای حاکم بر کنش در موقعیت ایستگاه اتوبوس و نوع رفتار در آن موقعیت معنی‌دار است. جهت این رابطه نیز به این صورت است که افرادی که این هنجارها را پذیرفته‌اند، بیش از کسانی که این هنجارها را نپذیرفته‌اند، رفتار همیارانه دارند. به جز رابطه فکری، در سایر روابط، ارتباط بین نوع رابطه و رفتار در موقعیت ایستگاه اتوبوس اجتماعی معنی‌دار است. به جز در رابطه دوستی، در سایر روابط، نوع همیارانه رابطه با رفتار همیارانه در این موقعیت ارتباط مستقیم دارد.

رابطه بین نوع رابطه حاکم بر کنش و نوع موقعیت‌هایی که رفتار در آن روی می‌دهد با نوع رفتار در دوراهی اجتماعی معنی‌دار است. جهت رابطه در بیشتر موارد به این صورت است که افرادی که نظر همیارانه‌ای در باره نوع رابطه و نوع موقعیت دارند، در این موقعیت رفتار همیارانه هم دارند. با عنایت به مجموع مباحث بالا، فرضیه تأثیر فضای کنش، یعنی فرضیه «در فضای کنش، منطق هر حوزه همراه با هنجارها و روابط مربوط به هر حوزه از فضای کنش روی رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی در آن حوزه اثر دارند»، تأیید می‌شود.

- آزمون‌های چندمتغیری: از آنجا که متغیر وابسته این تحقیق، یک متغیر اسمی یا مقوله‌ای و به صورت دوجزبی (داشتن یا نداشتن رفتار همیارانه در هر موقعیت) است، استفاده از تحلیل رگرسیونی میسر نیست. به دلیل مقوله‌ای بودن متغیر وابسته، و ترکیبی از مقوله‌ای و کمی بودن متغیرهای وابسته، راه تحلیل چندمتغیری، استفاده از رگرسیون لجستیک است. در این تحقیق از روش پیش‌رونده Wald استفاده شده است. در ضمن، مقدار ثابت نیز در معادله وارد

شده است. در این گزارش و جداول آن، فقط آماره متغیرهایی آورده می‌شود که در تحلیل رگرسیونی وارد شده‌اند.

متغیرهای وارد در مدل (در تمام موقعیت‌ها) عبارتند از: عوامل شخصیتی (ابعاد و وجوه پنج‌گانه دینداری، عقلانیت ابزاری، اعتماد تعمیم‌یافته، و شخصیت (جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی)، عوامل موقعیتی (آگاهی از پیامدهای دوراهی اجتماعی، اعتماد به همکاری دیگران، شرایط رقابتی یا همیارانه درون موقعیت، اثربخشی عمل جمعی، نفع جمعی درازمدت، اثر ارتباطات، اثر مذهب)، و عوامل مرتبط با فضای کنش (ترجیحات رفتاری چهارگانه، نوع رابطه، نوع هنجار، و نوع موقعیت).

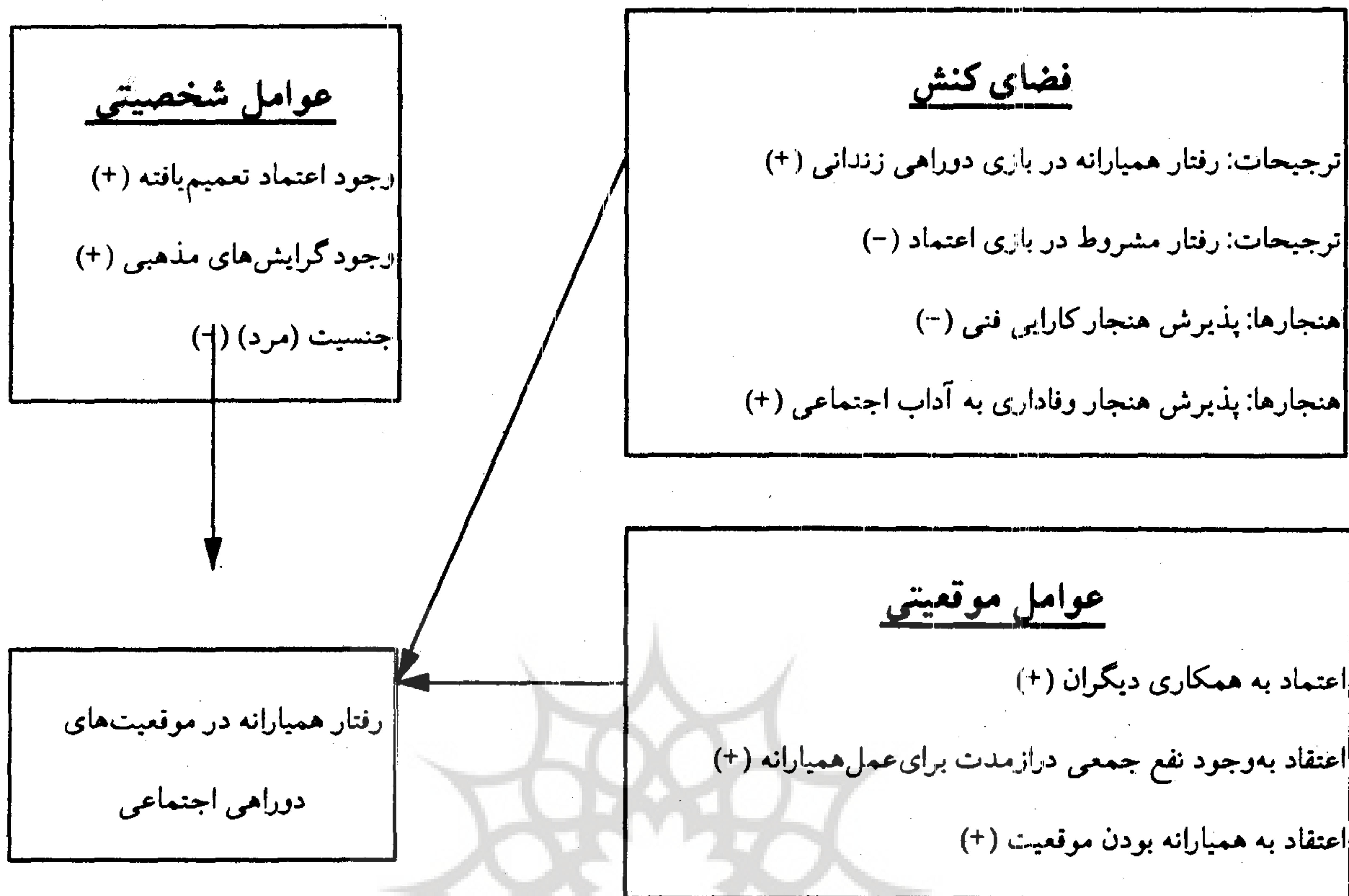
در رگرسیون لوجستیک، با استفاده از متغیرهای مستقل، پیش‌بینی می‌شود که رفتار افراد در موقعیت‌های ذکر شده، همیارانه است یا غیرهمیارانه، آنگاه اندازه‌گیری می‌شود که چقدر از پیش‌بینی رفتار فرد بر اساس متغیرهای مستقل، در عمل با رفتار فرد سازگار است. به این میزان، درصد پیش‌بینی صحیح رفتار گفته می‌شود.

- نتایج تحلیل موقعیت ریختن زباله در پارک: متغیر وابسته در این موقعیت، رفتار همیارانه یا غیرهمیارانه در موقعیت ریختن زباله در پارک است. درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی پس از ۶ مرحله ورود متغیرها، ۹۴ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت زباله در پارک عبارت است از: اعتماد به همکاری دیگران، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، نفع جمعی درازمدت، اثر مذهب، ترجیحات: بازی اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته.

- نتایج تحلیل موقعیت آسفالت کردن کوچه: درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی در انتهای ۵ مرحله ورود متغیرها، ۹۶ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت آسفالت کردن کوچه عبارت است از: جنسیت، اعتماد به همکاری دیگران، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت.

- نتایج تحلیل موقعیت ایستگاه اتوبوس: درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی در انتهای ۴ مرحله ورود متغیرها، ۹۴ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت ایستگاه اتوبوس عبارت است از: بعد سکولار دین، هنجار وفاداری، هنجار کارایی فنی، ترجیحات: بازی اعتماد.

تعارض نفع فردی و نفع جمعی



شکل ۱- عوامل موثر بر رفتار در دوراهی اجتماعی

- نتایج تحلیل موقعیت گذرنامه: درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی در انتهای ۴ مرحله ورود متغیرها، ۸۶ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت گذرنامه عبارت است از: اعتماد تعمیم‌یافته، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، ترجیحات: دوراهی زندانی، ترجیحات: بازی هم‌نوایی.

- نتایج تحلیل موقعیت گمرک: درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی در انتهای ۴ مرحله ورود متغیرها، ۹۱ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت گمرک عبارت است از: بعد عاطفی دین، بعد سکولار دین، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، ترجیحات: دوراهی زندانی.

- نتایج تحلیل موقعیت استخدام در اداره: درصد پیش‌بینی صحیح رفتار در این دوراهی در انتهای ۴ مرحله ورود متغیرها، ۸۹ درصد بوده است. عوامل موثر بر رفتار همیارانه در موقعیت استخدام در اداره عبارت است از: شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، نفع جمعی درازمدت، اثر مذهب، ترجیحات رفتاری: دوراهی زندانی.

در هر شش موقعیت، معنی‌داری مدل در مقیاس خنی دو، ۰/۰۰۰۱ بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک، در جدول ۱ آمده است. از مجموع نتایج آزمون‌های چندمتغیری،

می توان مدل تحقیق را مطابق شکل ۱ ارایه کرد.

جدول ۱- آماره های رگرسیون لجستیک برای متغیرهای مرتبط با موقعیت های دوراهی اجتماعی

متغیر	B	S.E.	Wald	df	Sig	R	exp(B)
موقعیت ریختن زباله در پارک							
اعتماد به همکاری دیگران	۲/۴۳	۰/۸۶	۷/۹۷	۱	۰/۰۰۴۸	۰/۱۹۲	۱۱/۳۶
شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت	۱/۱۴	۰/۶۰	۳/۵۸	۱	۰/۰۵۸۵	۰/۰۹۹	۳/۱۲
نفع جمعی درازمدت	۲/۸۲	۰/۶۲	۲۰/۷۶	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۴۱	۱۶/۷۵
اثر مذهب	-۱/۳۴	۰/۵۸	۵/۴۳	۱	۰/۰۱۹۸	-۰/۱۴۶	۰/۲۶
ترجیحات؛ بازی اعتماد	۱/۷۳	۰/۶۰	۸/۳۰	۱	۰/۰۰۴۰	۰/۱۹۷	۵/۶۲
اعتماد تعمیم یافته	۲/۰۲	۱/۰۴	۳/۷۶	۱	۰/۰۵۲۶	۰/۱۰۱	۷/۵۲
ثابت	-۶۷۴	۱/۱۹	۳۲/۲۹	۱	۰/۰۰۰۰	--	--
موقعیت اسفالت کردن کوچه							
جنسیت	۱/۴۱	۰/۷۰	۴/۰۳	۱	۰/۰۴۴۷	۰/۱۲۸	۴/۱۰
اعتماد به همکاری دیگران	۲/۲۳	۰/۶۱	۱۳/۳۶	۱	۰/۰۰۰۳	۰/۳۰۳	۹/۳۰
شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت	-۲/۲۲	۰/۶۱	۱۳/۳۱	۱	۰/۰۰۰۳	-۰/۳۰۲	۰/۱۱
ثابت	۰/۴۹	۱/۰۵	۰/۲۲	۱	۰/۶۴۰۰	--	--
موقعیت ایستگاه اتوبوس							
بعد سکولار دین	۱/۵۴	۰/۷۱	۰/۶۵	۱	۰/۰۳۱۱	۰/۱۱	۴/۶۸
هنجار وفاداری	-۲/۲۸	۰/۷۷	۸/۶۸	۱	۰/۰۰۳۲	-۰/۱۷	۰/۱۰
هنجار کارایی فنی	۲/۹۵	۰/۵۶	۲۷/۳۹	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۴	۱۹/۱۲
ترجیحات؛ بازی اعتماد	۱/۸۶	۰/۵۱	۱۳/۴۹	۱	۰/۰۰۰۲	۰/۲۳	۶/۴۴
ثابت	-۲/۰۴	۰/۷۹	۶/۵۷	۱	۰/۰۱۰۳	--	--
موقعیت گذرنامه							
اعتماد تعمیم یافته	-۱/۴۲	۰/۶۳	۵/۱۲	۱	۰/۰۲۷۳	-۰/۰۹۱	۰/۲۴
شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت	۱/۸۱	۰/۴۳	۱۷/۲۵	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۰	۶/۰۹
ترجیحات؛ دوراهی زندانی	۲/۱۷	۰/۳۸	۳۲/۵۱	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱	۵/۲۱
ترجیحات؛ بازی هم نوایی	۱/۶۵	۰/۳۹	۱۷/۷۲	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱	۵/۲۱
ثابت	-۱/۵۹	۰/۳۸	۱۷/۷۸	۱	۰/۰۰۰۰	--	--
موقعیت گمرک							
بعد عاطفی دین	-۲/۴۰	۱/۱۶	۴/۲۵	۱	۰/۰۳۹۲	-۰/۰۹۱	۰/۰۹
بعد سکولار دین	۱/۴۱	۰/۶۰	۵/۴۷	۱	۰/۰۱۹۳	۰/۱۲	۴/۰۸
شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت	۱/۸۱	۰/۴۷	۱۴/۸۹	۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۳	۶/۱۴
ترجیحات؛ دوراهی زندانی	۲/۲۰	۰/۴۹	۲۰/۲۰	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۷	۹/۰۲
ثابت	-۱/۵۰	۱/۱۲	۱/۸۱	۱	۰/۱۷۸۷	--	--
موقعیت استخدام در اداره							
شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت	۱/۵۰	۰/۵۱	۸/۶۳	۱	۰/۰۰۳۳	۰/۱۵	۴/۴۸
نفع جمعی درازمدت	۱/۲۷	۰/۵۲	۵/۹۱	۱	۰/۰۱۵۱	۰/۱۱	۳/۵۸
اثر مذهب	-۱/۵۳	۰/۴۸	۱۰/۳۴	۱	۰/۰۰۱۳	-۰/۱۷	۰/۲۲
ترجیحات رفتاری؛ دوراهی زندانی	۲/۷۷	۰/۴۵	۳۶/۸۷	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۴	۱۵/۹۲
ثابت	-۱/۴۹	۰/۴۱	۱۳/۰۰	۱	۰/۰۰۰۳	--	--

بحث و نتیجه گیری

پایین بودن میزان تمایلات و رفتارهای جمع‌گرایانه افراد جامعه، یکی از مهم‌ترین و کانونی‌ترین مسائل اجتماعی امروزی در جامعه ایران است. این مسئله به ویژه در موقعیت‌هایی که دنبال کردن نفع فردی توسط بیشتری از افراد جامعه، به زیان جمعی و در نتیجه زیان فردی همان افراد نیز منتهی خواهد شد، حساس‌تر است. به این مسئله (که به آن نام دوراهی اجتماعی داده‌اند) می‌توان از منظر انتخاب عقلانی نگاه کرد و به دنبال پاسخ به این پرسش بود که اولاً چه میزان از افراد در تهران در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، رفتار همیارانه دارند، و ثانیاً چه عواملی بر انتخاب رفتار همیارانه افراد در این موقعیت‌ها اثر می‌گذارد. با بررسی ادبیات مسئله، این عوامل به سه دسته: عوامل شخصیتی (نوع شخصیت یا جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی، جنسیت، جهت‌گیری مذهبی، عقلانیت ابزاری، و اعتماد تعمیم یافته)، عوامل موقعیتی (اعتماد به همکاری دیگران، اثربخشی عمل جمعی، نفع جمعی درازمدت، پاداش عمل جمع‌گرایانه و تنبیه عمل فردگرایانه، شرایط رقابتی یا همیارانه موقعیت، ارتباطات با دیگر کنشگران، آگاهی از دوراهی اجتماعی و پیامدهای رفتار غیرهمیارانه در آن، و تأثیر تجربه قبلی) و فضای کنش (هنجارهای حاکم بر کنش، نوع روابط حاکم بر کنش، موقعیت‌های کنش، و ترجیحات رفتاری) تقسیم می‌شوند.

برای این منظور با استفاده از آزمون موقعیت، شش موقعیت دوراهی اجتماعی طراحی شد. با استفاده از روش پیشمایشی، از ۷۳۰ نفر در گروه سنی ۱۵ و بیشتر ساکن تهران، و با نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب با حجم جمعیت هر یک از طبقات و انتخاب نمونه و صورت تصادفی سیستماتیک، پرسش‌نامه پر شده است.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان رفتار همیارانه در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، بین ۶۵ تا ۸۰ درصد و میزان رفتارهای همیارانه سایر مردم در تهران از نظر پاسخ‌گویان ۲۰ تا ۴۰ درصد است.

فرضیات سه‌گانه تحقیق نیز تأیید شد. در فرضیه اول، تأثیر جهت‌گیری مذهبی و نوع شخصیت بر رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی تأیید شد. در فرضیه دوم، تأثیر اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی، شرایط حاکم بر موقعیت از لحاظ رقابتی بودن یا نبودن، ارتباط میان کنشگران در موقعیت، اطلاع از پیامدهای رفتار در دوراهی اجتماعی، و تجربه قبلی از رفتار در موقعیت‌های مشابه بر رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی تأیید شد.

در فرضیه سوم، تأثیر پذیرش هنجارهای حاکم بر کنش، نوع رابطه، و نوع موقعیت بر رفتار در موقعیت دوراهی اجتماعی، و ترجیحات رفتاری تأیید شد.

مهم‌ترین یافته این پژوهش این است که میزان رفتارهای همیارانه در تهران پایین است و این یکی از مسایل اساسی اجتماعی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، میزان رفتارهای همیارانه در حالات عادی، حداکثر ۴۰ درصد است. یعنی نزدیک به دوسوم مردم.

در موقعیت‌هایی که نفع فردیشان مقابل نفع جمعی آنها قرار می‌گیرد، نفع فردی آنی را انتخاب می‌کنند. این در حالی است که موقعیت‌های طرح شده در این پژوهش، موقعیت‌هایی است که به وضوح، در آن نفع فردی آنی با نفع جمعی درازمدت در تعارض است، و حتی در برخی از این موقعیت‌ها (مانند موقعیت‌های زیاله در پارک و آسفالت کردن کوچه) نفع فردی درازمدت نیز به دلیل رفتار غیرهمیارانه و خودمدارانه افراد تهدید می‌شود. وقتی در این موقعیت‌های آشکار و روشن، نفع جمعی کنار گذاشته می‌شود، در بسیاری دیگر از موقعیت‌ها هم، که یا نفع جمعی متصور در زمان طولانی‌تری به دست می‌آید یا نفع فردی بسیار بزرگ است، افراد نفع فردی را بر می‌گزینند.

شایسته است این مسئله، که کمتر مورد اعتنای صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان فرهنگی قرار گرفته، در کانون توجه بررسی مسائل اجتماعی قرار گیرد، زیرا گذشتن از نفع فردی، حلقه مفقوده‌ای است که مراعات آن می‌تواند باعث تخفیف بسیاری از مسائل اجتماعی شود، مسائلی که اکنون، گروه‌ها و ارگان‌های متنوعی، به دنبال بررسی و حل انفرادی آن‌ها هستند.

یکی از عوامل موثر بر رفتار مردم در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، آگاهی از این است که کنشگران، درگیر در یک دوراهی اجتماعی‌اند؛ یعنی موقعیتی که تعقیب نفع فردی آنی، می‌تواند به زیان‌های جمعی بزرگی منجر شود، که خواسته آن کنشگران نیست. بنابر این آگاهی دادن به مردم در مورد دوراهی‌های اجتماعی و زیان‌های انتخاب گزینه غیرهمیارانه، باعث افزایش رفتارهای همیارانه آن‌ها می‌شود. البته (چنانچه در ادبیات تحقیق نیز مشاهده شد)، صرف آگاهی دادن به افراد باعث افزایش رفتارهای همیارانه نمی‌شود، و باید موانع موقعیتی و اجتماعی آن را نیز رفع کرد.

نگاهی به متغیرهای موثر، نشان می‌دهد که مقوله اعتماد، یکی از اساسی‌ترین عوامل موثر بر رفتار همیارانه یا غیرهمیارانه مردم در دوراهی‌های اجتماعی است، این مقوله در این پژوهش با متغیرهای زیر ارتباط نزدیک دارد: اعتماد تعمیم‌یافته؛ فهم افراد از همیارانه یا رقابتی

بودن موقعیت که بر اساس اعتماد آن‌ها به دیگران و رفتار آن‌ها در این موقعیت‌ها شکل می‌گیرد؛ و بازی اعتماد یک ترجیح رفتاری محسوب می‌شود.

متغیر منفعت نیز عامل موثری است: نفع جمعی درازمدت؛ و نگاه به دوراهی اجتماعی به عنوان یک موقعیت دوراهی زندانی که در آن استراتژی غالب تعقیب نفع فردی است؛ و هنجار کارایی فنی نیز تأثیر مهمی در رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی دارند.

علاوه بر اعتماد و نفع، مقوله مذهب (یعنی توجه به عامل مذهب در هنگام رفتار در دوراهی اجتماعی) و برخی ابعاد آن نیز، از جمله عوامل شخصیتی مهم‌اند که بر رفتار افراد در دوراهی اجتماعی اثر می‌گذارند.

به علاوه، عامل فضای کنش (مدل چلبی) و تایید آن نشان داد که علاوه بر متغیرهای موقعیتی و شخصیتی، که در تحقیقات دوراهی اجتماعی رایج است، فضای کنش و عناصر جامعه‌شناختی معطوف، به رفتار در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، نیز عامل بسیار مهمی است که می‌تواند رفتارهای افراد را در این موقعیت‌ها تبیین کند.

بنابراین در مجموع می‌توان عوامل زیر را از مهم‌ترین عوامل موثر بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی دانست: فضای کنش (هنجارها، روابط و موقعیت‌ها در هر منطقه حدی)، اعتماد، نفع و دین.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۷۹) تعاون و همکاری. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: مترجم.
- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران (۱۳۷۹) مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵) اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.
- بودون، ریمون (۱۳۷۰) منطق اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: جاوید.
- بیات، فریبرز (۱۳۷۲) رابطه عام‌گرایی با اخلاق. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.
- جوادی یگانه، محمدرضا (در دست اجرا) جمع‌گرایی ثانویه. تهران: مرکز مطالعات،

تحقیقات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۱ الف) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۱ ب) "فضای کنش: ابزاری تنظیمی در نظریه‌سازی". مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۱، ۴۶-۵.

- چلبی، مسعود (۱۳۷۶) "تعهد کار". نامه پژوهش. سال دوم، شماره ۵، ۱۰۴-۷۵.

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.

- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور.

- طالبان، محمد رضا (۱۳۷۸) "خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۳. صص ۵۴-۲۷.

- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۷۳) عام‌گرایی و عوامل مؤثر بر آن. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.

- غراب، ناصرالدین (۱۳۸۰) "اعتماد اجتماعی در جامعه مدرن". نمایه پژوهش. شماره ۱۸، ۹۸-۹۷.

- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸) پیرامون خودمداری ایرانیان: پژوهشی در روانشناسی اجتماعی مردم ایران. تهران: ارمغان.

- کرایب، یان (۱۳۷۸) نظریه اجتماعی مدرن؛ از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

- محمدی شکیبیا، عباس (۱۳۷۹) نظرسنجی از شهروندان تهرانی درباره منافع فردی و جمعی. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

- مرتون، رابرت ک (۱۳۷۶) مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه نوین تولائی. تهران: امیرکبیر.

- نراقی، حسن (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی خودمانی*. تهران: اختران.
- نوروزی، فیض‌ا... (۱۳۷۵) *فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل در تهران*. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴) *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: مولی.
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۸) *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: تبیان.

- Aquino, K. & A. Reed (1998) "A social dilemma perspective on cooperative behavior in organizations: The effects of scarcity, communication, and unequal access on the use of a shared resource". *Group and Organization Management*. 23(4): 390-413

- Batson, C. D. & J. G. Batson & R. M. Todd & B. H. Brummett et al. (1995) Empathy and the collective good: Caring for one of the others in a social dilemma. *Journal of Personality and Social Psychology*. 68(4): 619-631

- Bekkers, R. (2001) *Reliability and Validity of Social Value Orientations*. The working paper was presented at the 'SISWO-studiedagen', May 2000, Amsterdam, and at the ICS Forumday, November 2000, Nijmegen. A second version of the paper was presented at the 'Marktdag Sociologie', May 2001, Antwerpen.

- Biel, A. (2000) "Factors Promoting Cooperation in the Laboratory, in Common Pool Resource Dilemmas, and in Large-scale Dilemmas". . In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.) *Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge. pp. 25- 41.

- Bonacich, P. F. (1995) "Four kinds of social dilemmas within exchange

networks" . *Current Research in Social Psychology* .1(1).

- Boudon, R. (1998) "Limitations of rational choice theory". *The American Journal of Sociology*; 104, 3; 817-828.

- Chaitas, S. & A. Solodkin & J. Baron (1998) *Student's Attitudes Toward Social Dilemmas in Argentina, Mexico, and The United State*.

<http://www.sas.upenn.edu/~jbaron/virt.htm>. (document last modify date January 27, 1998).

- Chen, J. M. & M. L. Chang & T. H. Cheng (1997) "Cross-cultural study of social dilemma: A comparison between Taiwan and American students". *Chinese Journal of Psychology*. 39(1): 21-35.

- Dawes, R. (1980) "Social dilemmas". *Annual Review of Psychology*, 31: 169-193.

- Eckel, C. C. & P. J. Grossman (1998) "Are Women Less Selfish Than Men?: Evidence From Dictator Experiments". *The Economic Journal*, 108(448): 726-735. May.

- Eek, D. (1998) "To work or not to work? A social dilemma analysis of health insurance". *Gateborg Psychological Reports*, 28, No. 3.

- Elster, J. (1989) *The cement of society*. Cambridge, New York, Victoria: Cambridge University Press.

- Fleishman, J. A. (1988) "The effects of decision framing and others' behavior on cooperation in a social dilemma". *Journal of Conflict Resolution*. 32(1): 162-180

- Gautschi, T. (2000) "History effects in social dilemma situations". *Rationality and Society* 12 , 131-162.

- Hardin, G. (1968) "The tragedy of the commons". *Science* 162:1243-1248

- Harrod, W. J. (1983) "Social Dilemma: A Teaching Game". *Teaching Sociology*; 10(2): 266-274.

- Harsanyi, J. C. (1998) "Advances in Understanding Rational Behavior". In: Elster, J. (ed.) *Rational Choice*. Oxford: Basil Blackwell.
- Henrich, J. & N. Smith (1999) *Culture matters in bargaining and cooperation: cross-cultural evidence from Peru, Chile and the U.S*. eres.bus.umich.edu/docs/fanum.html
- Houston, J. M. & J. Kinnie & B. Lupo & C. Terry & S. S. Ho (2000) "Competitiveness and conflict behavior in simulation of a social dilemma". *Psychological Reports*. 86 (3,Pt2): 1219-1225
- Jolls, C. & Sunstein, C. R. & Thaler, R. (1998) .A Behavioral Approach To Law And Economics. *Stanford Law Review* 50:1471- 1550.
- Kerr, N. L. & C. M. Kaufman Gilliland (1994) "Communication, commitment, and cooperation in social dilemma". *Journal of Personality and Social Psychology*. 66(3): 513-529
- Kollock, P. (1998) "Social dilemmas: The anatomy of cooperation" *Annual Review of Sociology* 24 . pp182-214.
- Liebrand, W. B. & H. A. Wilke & R. Vogel & F. J. Wolters (1986) "Value orientation and conformity: A study using three types of social dilemma games". *Journal of Conflict Resolution*. 30(1): 77-97
- Linderberg, S. (2002) "Social rationality and the new name of our section". *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association) 11(1): 1-3.
- Nilsson, M. (2000) *Trafiksakerhet som ett socialt dilemma*. Degree Project in Geography .Department of Studies in Biology and Environmental Sciences.Umea university, Sweden.
- Poppe, M. & L. Utens (1986) "Effects of greed and fear of being gyped in a social dilemma situation with changing pool size". *Journal of Economic*

Psychology. 7(1): 61-73

- Pruyn, A. & R. Riezebos. (2001) "effects of the awareness of social dilemmas on advertising budget-setting: ascenario study". *Jornal of economic Psychology*, 22: 43-60.

- Sato, K. (1988) "Trust and group size in a social dilemma". *Japanese Psychological Research*. 30(2): 88-93

- Stark, R. (1994) "Rational choice theories of religion". *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association) 2(1): 1-4.

- Steg, L. & B. Gatersleben (2000) *A social dilemma analysis of car use: a comparison between the UK and the Netherlands*. Paper presented at the International Conference on Traffic and Transport Psychology, ICTTP 2000, 4-7 September, Bern Switzerland.

- Stout, L. A. (2001) "Other-Regarding Preferences and Social Norms". *Gerrgetown Law and Economics Research Paper*. No. 265902.

- Udehn, L. (2001) *Methodological Individualism; Background, history and meaning*. London: Routledge.

- Van Lang, P. & M. Van Vugt & D. De Cremer (2000) "Choosing Between Personal Comfort and the Environment". In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.) *Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routedge. pp. 45- 63.

- Van Lange, P. A. M. & M. Van Vugt & R. M. Meertens & R. A. C. Ruitter (1998) "A social dilemma analysis of commuting preferences: The roles of social value orientation and trust". *Journal of Applied Social Psychology*. 28(9): 796-820

- Van Vugt, M. & A. Biel & M. Snyder & T. M. Tyler (2000) "Perspectives on Cooperation in Modern Society". . In: Van Vugt, M. & M. Snyder & T. R. Tyler & A. Biel (eds.) .*Cooperation in Modern Society: Promoting The Welfare of Communities, States and Organizations*. London: Routledge. pp. 3-24.

- Van Vugt, M. & C. D. Samuelson (1999) "The impact of personal metering in the management of a natural resource crisis: A social dilemma analysis". *Personality and Social Psychology Bulletin*. 25(6): 731-745.

- Voss, T. (2001) "Is there an alternative to "rational choice"?" *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association) 9(2): 1-2.

- Young, L. A. (ed.) (1997) *Rational choice theory and religion*. New York: Routledge.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی